

احتمال تعیین دستمزد کارگران بعد از عید

ناصر جمینی، نابرس‌نشین کانون عالی‌المن‌های صنعتی کارگران

یک ماه به پایان سال باقی مانده و ماهنوز به طور جدی به مبحث دستمزد کارگران ورود نکرده‌ایم و اولین جلسه رسمی دستمزد را برگزار نکردیم. شاید سیاست این باشد که دستمزد دقیقه ۹۰ تعیین شود و مثل یکی دو سال اخیر ساعت دو نصفه شب رقم دستمزد از شورای عالی کار بیرون بیاید، ولی به اعتقاد من موکول شدن تعیین دستمزد کارگران به بعد از عید بعید نیست.

سال گذشته و در چنین روزهایی، چند جلسه برای تعیین دستمزد کارگران تشکیل و نظر دولت و کارفرمایان مشخص شده بود و نمایندگان کارگری به دنبال نزدیک کردن دیدگاه آنها به خود بودند ولی امسال با توجه به اینکه فقط یک ماه تا پایان سال داریم هنوز حتی اولین جلسه رسمی دستمزد را هم تشکیل نداده‌ایم. در این بین، بیشترین ضرر از برگزار نشدن جلسات دستمزد را جامعه کارگری متحمل می‌شود. البته شاید زور نمایندگان کارگری در شورای عالی کار به دولت و کارفرمایان نرسد ولی امید جامعه کارگری به نمایندگان کارگری است و سر دستمزد کارگران به هیچ وجه کوتاه نخواهند آمد.

درباره پیشنهاد پلکانی کردن افزایش دستمزد کارگران برای سال ۹۸ هم باید گفت این کار را نمی‌شود در پایه دستمزد انجام داد چون همین حالا بیش از ۸۰ درصد کارگران حداقل بگیرند و یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرند، پس پلکانی کردن حداقل مزد جواب نمی‌دهد. شخصاً معتقدم که شورای عالی کار امسال باید با نگاه ملی و واقع‌گرایانه به مقوله دستمزد نگاه کند و شرایط اقتصادی سال آینده و تاثیر آن بر سفره کارگران را در نظر بگیرد. دولت باید از حالا برای پنج سال آینده برنامه داشته و میزان تورم سال آینده را پیش‌بینی کرده باشد. برای نوسانات ارزی، تورم‌های ناگهانی و بحران‌های احتمالی که ممکن است ایجاد شود و بر معیشت تاثیر منفی بگذارد، چاره‌اندیشی کند تا جامعه کارگری زمین‌گیر نشود.

در پایان و با توجه به اعلام رقم سبد هزینه معیشت خانوارهای کارگری، باید گفت تعیین رقم سه میلیون و ۷۶۰ هزار تومان عجیب نبود. وقتی که مرکز پژوهش‌های مجلس از افزایش قیمت اقلام خوراکی‌ها و خط فقر خبر می‌دهد و دولت برای توزیع بسته‌های حمایتی حقوق زیر سه میلیون تومان را مبنای قرار می‌دهد می‌توان فهمید که افزایش هزینه‌ها چه تاثیری بر معیشت کارگران گذاشته است بنابراین با توجه به تعیین این رقم در کمیته دستمزد دیگر جای هیچ پنهانی برای جبران عقب‌ماندگی‌های مزدی کارگران نمی‌ماند.

خبر کارگری

۱۶ درصد از مردان دهه شصتی بیکارند

بررسی وضعیت متولدین دهه ۶۰ نشان می‌دهد که تنها ۳۵ درصد از این افراد مدرک دانشگاهی دارند و از سوی دیگر ۱۶ درصد از مردان ۳۲ و ۳۳ درصد از زنان متولدین دهه بیکار هستند. به گزارش مهر، سیاست‌های جمعیتی در دهه ۶۰ شمسی، نرخ باروری در ایران را افزایش داد و موج اول جمعیت به راه افتاد. متولدین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹ را «دهه شصتی» می‌نامند که در حال حاضر، در بین متولدین دهه‌های مختلف، بیشترین سهم به‌طور به این دهه است. نگاهی به آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که ۱۳ درصد از جمعیت کشور را متولدین دهه ۳۰ و قبل، ۱۱ درصد از متولدین دهه ۴۰، حدود ۱۶ درصد از متولدین دهه ۵۰، حدود ۲۱ درصد از متولدین دهه ۶۰، معادل ۱۵ درصد از متولدین دهه ۷۰، حدود ۱۵ درصد از متولدین دهه ۸۰ و ۹ درصد از متولدین دهه ۹۰ تشکیل می‌دهند. در این بین از جمعیت ۸ میلیون و ۳۱۸ هزار و ۱۵۳ زن متولد دهه شصت، ۳۲ درصد بیکار و از جمعیت ۸ میلیون و ۸۲۳ هزار و ۹۲۳ مرد متولد دهه شصت، ۱۶ درصد بیکار هستند. ۱۹ درصد از زن‌های دهه شصتی و ۲۳ درصد از مردهای دهه شصتی هنوز ازدواج نکرده‌اند و این به معنای آن است که ۷۸ درصد زنان و ۶۶ درصد مردان متولدین دهه ۶۰، ازدواج کرده‌اند. ۱۹ درصد از زن‌های دهه شصتی که ازدواج کرده‌اند هم هنوز فرزندی به دنیا نیاورده‌اند.

جلوگیری از افزایش شکاف طبقاتی در گرو اصلاح نظام یارانه‌ای

ثروتمندان سهم بیشتری از یارانه دارند

تورم همچنان روی گردهم‌دم سنگینی می‌کند بی آنکه منابع حاصل از محل آزادسازی قیمت‌ها به کار مردم بیاید. «وحید شقاقی شهری» اقتصاددان و استاد یارانه‌ها در دانشگاه علوم اقتصادی تهران و خوارزمی در این گفت‌وگو تاکید دارد که هدفمندی یارانه‌ها زمانی به اهداف خود در زمینه فقر زدایی می‌رسد که یارانه نقدی ثروتمندان قطع شود و هم‌زمان بر مصرف سوخت و انرژی مالیات تصاعدی وضع شود چرا که الگوهای مصرف دهک‌های بالای درآمدی زمین تا آسمان با فقر تفاوت دارد.



پیام عابدی

لیبرال‌ها مدعی هستند که هدفمندی یارانه‌ها با وجود برخی آثار آن در اقتصاد، نابرابری را کاهش می‌دهند. واقعیت‌های اقتصاد ایران ولی نشان می‌دهد که توزیع نقدی یارانه‌ها به کاهش نابرابری نینجامیده است. چرا با وجود گذشت ۱۱ سال از تصویب قانون هدفمندی یارانه‌ها، همچنان چرخ فقر زدایی لنگ می‌زند؟

دولت‌ها در حوزه سوخت یارانه کلانی را پرداخته‌اند و می‌پردازند. همه اینها در حالی است که سال‌هاست گفت‌وگوهای مصرف سوخت و انرژی و اصلاح یارانه‌ها راه افتاده و در سال ۱۳۸۶، قانون اصلاح قیمت حامل‌های انرژی تصویب شد. هدف این بود که قیمت بنزین و گازوئیل به‌فوق خلیج فارس نزدیک شود و مابه‌التفاوت آن به صورت نقدی و غیر نقدی بین مردم توزیع شود یا اینکه به صورت یارانه به تولید تزیق شود. باین حال توزیع یارانه تنها در قالب نقدی صورت گرفت و در واقع بسیار بد اجرا شد. این قانون باین هدف تصویب

شد که از مصرف انرژی کاسته و بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی افزایش یابد. طبق قانون قرار شد درآمدهای حاصل از هدفمندی یارانه‌ها در سه مرحله هزینه شود؛ بخشی را به صورت یارانه نقدی پرداخت کردند و قرار بود یارانه غیر نقدی هم پرداخت شود و در ضمن حمایت از تولید صورت بگیرد، به این شکل که تکنولوژی تولید و فناوری‌های بنگاه‌ها بهبود بخشیده شود تا مصرف انرژی توسط آنها کاهش یابد. به هر شکل یارانه به صورت نقدی توزیع شد و یارانه غیر نقدی و سهم تولید به دست فراموشی سپرده شد. یارانه نقدی هم متناسب با درآمد خانوار پرداخت نشد. در ضمن به تمام خانوارها چه آنها که جز دهک‌های بالای درآمدی و چه آنها که جز دهک‌های پایین درآمدی، هستند رقمی برابر پرداخت شد.

توزیع نقدی یارانه‌ها هم تا جایی مقدس شد که با مخالفان آن برخوردی صورت گرفت. در نامه ۴۳ اقتصاددان به آقای احمدی‌نژاد تاکید شده بود: «به نظر ما اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها در شرایط بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی نه تنها متضمن خلیج فارس، مصرف انرژی به شدت

افزایش یافت. در همین حال حجم عظیم قاچاق سوخت را در کشور شاهد بودیم چرا که قیمت بنزین نسبت به سایر حوزه‌ها بسیار پایین‌تر است. این روند نمی‌تواند ادامه پیدا کند.

نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد در دوره پس از اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها، توزیع قدرت در بدو برخلاف توزیع مخارج خانوارها، برابر تر نشده است. به نظر شما اگر بخواهیم همین امروز از شر سیاست‌های هدفمندی یارانه‌ها خلاص شویم، چه باید بکنیم؟

در حال حاضر طرحی داده‌اند که بر مبنای آن به هر کدملی در هر ماه معادل ریالی ۲۴ لیتر بنزین پرداخت می‌شود اما به عقیده من بهترین سیاست وضع مالیات تصاعدی بر مصرف سوخت و انرژی است. این سیاست به عدالت اجتماعی که در پی آن هستیم نزدیک‌تر است. باین کار نظام مالیات‌کاری خود را حفظ خواهد کرد. در ضمن به سمت مصرف هدفمند و بهینه منابع حرکت خواهیم کرد. می‌توانیم این قاعده را ابتدا برای مصرف بنزین اجرایی کنیم و به مصرف گاز و نئیل تعمیم دهیم. البته این تنها یک سیاست است اما منطبق‌ترین سیاست با شرایط موجود

سیاست‌ها باید به نحوی تنظیم شوند که دهک‌های پر درآمد هدف اصلاح نظام یارانه‌ای و مالیاتی قرار بگیرند. باید تلاش شود که سطح فعلی معیشت خانوارهای کم‌درآمد حفظ شود چرا که سقوط آزاد آنها در چنین شرایطی، بسیار خطرناک است. در شرایط فعلی دهک‌های کم‌درآمد متوسط باید کمترین آسیب را ببینند و یارانه‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شوند که دهک‌های کم‌درآمد بهره‌مند شوند. یکی از کشورهایی که در آن از پرداخت مالیات رضایت وجود دارد، سوئد است. سوئد با اخذ مالیات به بیکاران مقرر می‌شود که یارانه‌ها در نظام بهداشتی را توسعه می‌دهد و هزینه‌های عمرانی را افزایش می‌دهد. در آنجا نظام یارانه و نظام مالیاتی شفاف هستند. در اقتصاد ایران اینها شفاف نیستند. ما نمی‌دانیم که این درآمدها کجا هزینه می‌شود. به همین دلیل مردم از نظام مالیاتی راضی نیستند و در مقابله اصلاحات مقاومت می‌کنند. عملکرد نظام یارانه‌ای ایران شفاف نیست و کسی نمی‌داند اگر در آمدی وجود داشته، آیا به فقر اختصاص یافته است. در سوئد شهروندان می‌دانند اگر مالیاتی می‌دهند در ساختن جاده هزینه‌های مردم می‌شود. در مقابل نظام یارانه‌ای و مالیاتی ایران هرگز گزارشی شفاف ارائه نکرده است. در ایران از مردم مالیات می‌گیرند اما بهره‌وری صفر است. شاهد هدررفت گسترده منابع هستیم. در کل مالیات‌های مردم در اندازه بزرگ دولت و هزینه‌های جاری آن اندک شده است. در کشور ما شفافان مالیات می‌دهند، اما نمی‌دانند مالیات‌شان چه می‌شود. این در شرایطی است که در کشورهای توسعه یافته مالیات می‌دهند تا بهداشت آنها تقویت شود و مالیات می‌دهند تا در حوزه‌های مختلف، خدمات دریافت کنند.

است. سیاست‌های فعلی سیاست‌های مخربی هستند که همین امروز باید آنها را در مسیر غلطی که سیر می‌کنند، متوقف کرد تا کارگردشان برعکس شود. یارانه باید برای دهک‌های کم‌درآمد باشد نه پر درآمد. ما خانوارهایی داریم که هر یک از اعضای آنها یک خودرو دارند. خانوارهایی داریم که خانه‌های بزرگ دارند و با انرژی تقریباً مجانی آنها را گرم نگاه می‌دارند یا بنگاه‌های تولیدی وجود دارد که به شدت انرژی مصرف می‌کنند و بازدهی اقتصادی ندارند. بخش عمده یارانه پنهان را اینها مصرف می‌کنند. این نظام یارانه‌ای اگر اصلاح نشود موجب افزایش مداوم شکاف طبقاتی در جامعه می‌شود. همه جای دنیا یارانه‌ها صرف رفاه کم‌درآمدها می‌شود اما در ایران بالعکس، یارانه را در خدمت دهک‌های پر درآمد گذاشته‌اند.

تکرار می‌کنم که بهترین شیوه اخذ مالیات تصاعدی بر مصرف انرژی و سوخت است. هر کسی که سوخت و انرژی بیشتری مصرف می‌کند باید یارانه بیشتری بپردازد. متأسفانه نظام مالیاتی ایران دچار کژکار کردی است و خوب کار نمی‌کند. اگر خوب کار می‌کرد می‌توانستیم به درستی در راه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها آن‌را به کار بگیریم که این‌گونه شاهد بهبود الگوی مصرف سوخت خواهیم بود. درآمدهای دولت هم افزایش می‌یابد چرا که هر کس که مصرف بیشتری دارد با مالیات تصاعدی بر مصرف سوخت به نوعی تنبیه می‌شود.

اقتصاد بنگاه‌های کوچک بسیار شکننده است. آنها از بالا رفتن هزینه‌های جاری خود گلایه دارند و آن را جزو دلایل تعطیلی واحدها عنوان می‌کنند. در منظومه‌های که شما برای سامان دادن اقتصاد ایران در سال ۹۸ تدوین کرده‌اید و مبنای آن را بر باز توزیع درآمدها قرار داده‌اید، چه مکانیزمی برای حمایت از بنگاه‌ها پیش دیده شده است؟

باید اصلاح مصرف انرژی را از جایی شروع کرد. البته قبول دارم که بنگاه‌های تولیدی تحت فشار هستند، به همین جهت می‌گویم که اصلاح مصرف را باید از بنزین شروع کنیم. ابتدا باید به سراغ مصرف روزانه مردم برویم و بعد آن را به گاز و نئیل تسری دهیم. دولت می‌تواند از درآمد حاصل از اصلاح قیمت سوخت به بنگاه‌ها کمک کند تا تکنولوژی‌شان را ارتقا دهند که به این واسطه مصرف انرژی‌شان پایین می‌آید. مهم اصلاح الگوی مصرف انرژی است. شدت مصرف انرژی بسیار بالاست. در ایران برای افزایش یک دلار تولید ناخالص داخلی، ۴ برابر بیشتر از میانگین جهانی، انرژی مصرف می‌شود. این یعنی اتلاف منابع در اقتصاد. اصلاح نظام یارانه‌ها و مالیات تصاعدی بر مصرف انرژی و ارتقای تکنولوژی واحدهای تولیدی باید اتفاق بیفتد چرا که با دو بحران ارزی که شرح دادم، شاهد تشدید شدت مصرف انرژی و قاچاق سوخت هستیم. توزیع یارانه‌ها هم به نفع دهک‌های کم‌درآمد نیست. توجه کنید که عمده این ۹۰۰ هزار

حداقل دستمزد پرداختی در ایران و هزینه‌نیروهای کار جزو پایین‌ترین‌ها در جهان است، گفت: یک اشتباه رایجی که در کشور ما وجود دارد این است که معمولاً می‌آیند میزان دستمزد دهانه‌ها، قیمت اقلام و کالاها را بیکارهای دیگر مقایسه می‌کنند. آن چیزی که در هر کشوری رخ می‌دهد بر اساس شرایط داخلی خود آنهاست. عضو کمیسیون تلفیق بودجه ۹۸ اشاره کرد: در شرایطی که ارزش ریال به شدت کاهش یافته و بر اساس نرخ ارز داخلی خردمان و واحد پولی رایج کشورمان که ارزش آن کاهش یافته، محاسبه و انجام می‌دهیم بعد می‌گوییم به طور مثال در آمد یک کارگر در یک کشور عرب، ۱ میلیون تومان است اما این نکته

به گسترش بیکاری خود نیروهای کار می‌انجامد. معتمد باید هر دو طرف ماجرا را دید. هم اینکه فشار اقتصادی روی طبقه کارگر نباشد و هم اینکه آن رقمی که برای کارگر تعیین می‌شود به نحوی نباشد که کارفرمایان برای کاهش هزینه‌هایشان مجبور بشوند نیروی کارشان را اخراج کنند و در نتیجه بیکاری افزایش یابد. وی در پاسخ به این پرسش که گفته می‌شود

آنها سلب پاسخگویی کند. به گزارش ایلنا، جلیل رحیمی جهان‌آبادی گفت: تعیین حداقل دستمزد کارگران معمولاً متناسب با شرایط اقتصادی کشور، میزان تورم و قدرت خریدی که خانوارها برای تامین مایحتاجشان دارند باید انجام شود. وی افزود: اگر رقمی برای دستمزد تعیین می‌شود که بیش از حد توان کارفرمایان باشد آنها ناگزیر بر تعدیل نیرو خواهند شد و این تعدیل نیز

عضو هیات‌رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس با بیان اینکه تعیین حداقل دستمزد کارگران باید متناسب با شرایط اقتصادی کشور، میزان تورم و قدرت خریدی که خانوارها برای تامین مایحتاجشان دارند باشد، گفت: در تعیین مزد هم باید قدرت خرید کارگر بیش از حد کاهش نیابد و هم به توقعاتی دامن‌زند که موجب در دسر و محدودیت برای کارفرمایان و دولت شده و از